

یادداشت

سخنی در باب ارزش‌های شاهنامه

«**تو این را دروغ و فسانه مدان**»



بخش فرهنگی – امیرالله شمقدری، دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی در یادداشتی برای ایبنا به بیان اهمیت پرداختن به مفاخر فرهنگی و ادبی پرداخته و به این سوال پاسخ می‌دهد که شاهنامه، واقعا چه ارزشی دارد؟

سخنی در باب ارزش‌های شاهنامه/ «تو این را دروغ و فسانه مدان» خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در خراسان رضوی – امیرالله شمقدری: پیشینه فرهنگی و ادبی ایران، سرشار از شاعران و دانشمندانی است که آثار ادبی آنان سبب هویت‌بخشی و سربلندی ایران و ایرانیان شده است. مطالعه تاریخ ادبیات و فرهنگ گذشته و تجربه‌های پیشین، اندوخته ارزشمندی است تا صاحبان قدرت و حاکمیت برای حفاظت از تولیدات غنی سرمایه‌های ادبی این مرز و بوم، برنامه‌ریزی و نقشه راهی طرح‌ریزی کنند تا ضمن پاسداشت این ذخایر ارزنده، زمینه رونق و انس و پیوند احاد جامعه با آن دستاوردها فراهم شود.

داستان‌های جذاب حماسه ملی ایرانیان در شاهنامه فردوسی، غزلیات حافظ شیرین‌سخن، حکمت‌های زیبای گلستان سعدی، مضامین و حکایات و نکته‌های عرفانی مثنوی معنوی مولانا، آثار ذوقی و هنری عطار نیشابوری و بسیاری دیگر از آثار ارزشمند، فاخر و ادبی این مرز و بوم، در انتظار یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه و فراگیر است تا نسل جوان جامعه، با این دستاوردهای ماندگار و پر ارزش ادبی خود، بیش از پیش آشنا شود و از آن بهره بیشتر گیرد.

هنگامی که پژوهشگران غیرایرانی برای درک و بهره‌گیری از آثار گرانسنگ زبان و ادب فارسی، به آموزش و تعلیم زبان فارسی علاقه‌مند می‌شوند و بسیاری از ایشان به تصحیح کتاب‌های ادیبان و سخنوران و نگاشتن تاریخ ادبیات ایران اهتمام می‌ورزند، شایسته است برای بهره‌گیری از این تولیدات ارزشمند ادبی، کاربست‌هایی تهیه شود و راه‌های افزایش انس مردم به‌ویژه جوانان، جستجو شود.

به نظر می‌رسد مردم ما، امروزه با آثار ارزشمند مفاخر ادبی کمتر آشنایند و یا از آنها کمتر بهره می‌برند. این نوع تعامل ضعیف با پیشینه فرهنگی و ادبی، یادآور آن حکمت نهج البلاغه امیرالمومنین (ع) است که فرمود: «لنأسئ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» مردم دشمن اندک که نمی‌دانند (حکمت ۴۳۸). مردمی که با دستاوردهای ارزشمند، جذاب و شیرین زبان و ادبیات خود، ارتباط قوی ندارند به نوعی در عمل، دشمن آن محسوب می‌شوند.

امید است این نوشتار سبب شود تا به دنبال راهکارهای علمی و کاربردی و روش‌های انس و الفت و بهره‌گیری بیشتر جامعه با گنجینه‌های زبان و ادب فارسی برویم. تا اصحاب حاکمیت و مدیریت بتوانند با اجرایی کردن اهداف راهبردی و راهکارها و پیشنهادهای کاربردی، زمینه و بستر رشد فرهنگی جامعه و ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی را در کشوری که سرشار از مفاخر فرهنگی، علمی و ادبی است فراهم آورند.

امروز ۲۵ اردیبهشت، روز پاسداشت زبان و ادب فارسی و بزرگداشت

حکیم ابوالقاسم فردوسی نام گرفته است. در نوشتار زیر چند نکته

درباره اثر فاخر و گرانسنگ زبان و ادب فارسی، شاهنامه فردوسی

تقدیم علاقمندان و دلدادگان زبان فارسی می‌کنم.

به واقع، شاهنامه فردوسی چه ارزشی دارد؟

۱- فردوسی، فرهنگ، زبان و تاریخ حماسه ایرانیان را با شاهنامه جاودانه ساخت. شاهنامه‌شناسانه ملت ایران و تاریخ داستانی و حکایت نیاکان ماست. آن حکیم فرزانه هویت ملی و تمدن ایرانی را با این اثر فاخر در عرصه جهانی به نمایش گذاشت.

۲- امروزه شاهد هستیم که شاهنامه فردوسی به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. اینکه برخی از اندیشمندان دنیا از شوق گرفته تا غرب، به تصحیح شاهنامه می‌پردازند و ثبت افتخار معروف‌ترین‌های تصحیح و چاپ شاهنامه فردوسی را به خود اختصاص می‌دهند، گواه بسیار جالب توجهی از اقبال جهانی به این اثر بزرگ و ارزشمند ادبی دنیا است.

۳- شاهنامه فردوسی، قلب ادبیات جهان را درنور دیده است. بسیاری از داستان‌های پهلوانان گوناگون شاهنامه در ادبیات جهان منعکس شده است. به گواهی آثار ادبی لامارتین فرانسوی، گوته شاعر آلمانی، ویکتور هوگو نویسنده بزرگ فرانسوی و بسیاری دیگر از شاعران و اندیشمندان جهان، شاهد تأثیرپذیری فراوان ایشان از داستان‌های شاهنامه فردوسی هستیم. شخصیت‌ها و مضامین داستان‌های شاهنامه در آثار این اندیشمندان بزرگ دنیا قابل ردیابی است و این گواهی روشن بر تأثیرات جهانی حکیم طوس است.

مردم‌شناسی، ویژگی ارزشمند شاهنامه

۴- مردم‌شناسی، از دیگر ویژگی‌های ارزشمند اثر بزرگ فردوسی است. با مطالعه شاهنامه می‌توان به سابقه فرهنگی، ادبی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ایران و ایرانیان دست یافت. سخاوت، شجاعت، وفای به عهد، نشاط، میهمان نوازی، مهربانی و حراست از حدود و نفوذ کشور، امداد و نیکوکاری و بسیاری دیگر از روحیات فردی و اجتماعی ایرانیان از جمله جلوه‌های است که در شاهنامه فردوسی به عنوان هویت ایرانی تبیین شده است.

۵- فن‌پیان و توصیف قوی و ایجاز در سخن، از شاهکارهای فردوسی است. تصویرگری‌های فردوسی در شاهنامه، معجزه کلمه و طوس، کلیدواژه‌های جذاب و اثربخش، مخاطب سنجی و ایراد سخن به اقتضای حال و مقام، از ویژگی‌های سحر بیان حکیم طوس است. فردوسی در مقدمه بسیاری از داستان‌های شاهنامه با هنرمندی تمام، آرام آرام ذهن خواننده را درگیر ماجرا می‌کند و در نقاط اوج داستان، به انتقال موثر مضامین زیبا و مقاصد خود در ذهن مخاطب می‌پردازد.
۶- شاهنامه فردوسی با حدود ۶۰ هزار بیت شعر، یکی از بزرگ‌ترین آثار ادبی، هنری و حماسی دنیا است. ۳۰ سال از عمر فردوسی برای سرودن شاهنامه هزینه شد و حکیم طوس با صدای بلند فریاد زد که «تو این را دروغ و فسانه نخوان». فردوسی داستان را برای سرگرمی بیان نکرد. او مفاهیم و مضامین اخلاقی و اجتماعی و تربیتی را رد قالب داستان، به زیباترین و موثرترین روش به ذهن مخاطب و خواننده منتقل می‌کند.

شاهنامه فردوسی و بیان نظریات علمی

۷- شاهنامه فردوسی، دارای نظریات علمی جهانی است. برای نمونه نظریه علمی «عقده حقارت و شخصیت» متعلق به شخصیتی علمی به نام «الفرد آذر» اثریشی است. آذر ویژگی‌هایی شامل تنفر، خشم، انتقام جویی، حسادت، تناقض رفتاری، ترس و هراس، استفاده ابزاری از ارزش‌ها و تکبر را از مختصات انسان‌های دارای عقده حقارت و شخصیت معرفی می‌کند. جالب توجه اینکه حکیم فرزانه طوس، هزار سال قبل از آذر همه این ویژگی‌ها را در یکی از شخصیت‌های داستانی شاهنامه بیان کرده است. شغاد برادر ناتنی رستم، نماد شخصیتی است که دارای عقده حقارت و شخصیت است و تمام خصوصیت‌های بیان شده در نظریه عقده حقارت و شخصیت آذر در این شخصیت داستانی شاهنامه متمرکز است.

سال‌ها پیش، «هنرپیشه‌های مشهور در لندن درگذشت که تمام هشرت‌ش به بازی نقش هملت بود. فردوسی چند برابر شکسپیر داستان دارد که می‌توان از آن فیلم‌ها و نمایش‌ها تهیه کرد» (رک جلال خالقی مطلق). بیش از هزار سال است که در باره ارزش و عظمت اثر فاخر فردوسی گفت‌وگو می‌کنیم. امید است از این شاعر گرانقدر که بر قله سال‌ها و ادب فارسی می‌درخشد بیشتر بهره گیریم.

{فرهنگ و هنر }

پیش از شیوع ویروس کرونا در گیلان، با این آگهی، قرار بود در تاریخ ۵- ۱۲- ۱۳۹۸، نشستی به راستای درنگ بر بومی‌گرایی دو مجموعه شعر سپید :

۱- (عاشقانه‌هایی که می‌خندند)، سروده‌ی شاعر فرامرز محمدی‌پور

۲- (ترانه‌ای برای ماه‌منیر)، سروده‌ی شاعر افشین معشوری

با نگرش محسن آریاپاد برگزار گردد که به جهت جلوگیری از شیوع ویروس، ملغی گردید.

با توجه به اوضاع و شرایط کنونی که امکان برگزاری نشست‌های فرهنگی، ادبی، هنری نیست و در آینده‌ی نزدیک هم مقدر نخواهد شد، به‌طور جداگانه، نگرش‌ام را بر آفرینه‌های یادشده، به پاسداشت تلاش‌های ارج‌مند فرهنگی- ادبی شاعران نامبرده، به شرح دو نگاهشته‌ی پیوست، در فضای رسانه منتشر می‌کنم.

با احترام – محسن آریاپاد

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

چکیده‌ای از درنگ بر مجموعه‌ی شعر سپیدِ

عاشقانه‌هایی که می‌خندند

آفرینه‌ی شاعر فرامرز محمدی‌پور

منتقد: محسن آریاپاد
فرامرز محمدی‌پور از شاعران نوآور لنگرود (گیلان) و از کنش‌گران و کوشندگان پیشکسوت حوزه‌ی فرهنگی، ادبی، هنری، پژوهشی، روزنامه‌نگاری است که کارنامه‌ای پرچلوه از آفرینش‌های گوناگون دارد

مجموعه‌ای که اکنون برارزش بررسیِ آن، به نگارنده‌ی این سطور دست داده است،

سیزدهمین آفرینه‌ی چاپ‌شده‌ی

اوست که با زبانی روان و رسا و

بی‌تعقید و عاری از تکلف، استوار

به آرایه‌های پذیرنده و معنماند، بر

محتوا نشسته است

هر مدعی سرایش شعر، آسان

نمی‌تواند ویژگی‌هایی را که در

بالا شمرده شد، در بافتار شعر

بگنجد

بسیار دیده شده‌است که

شئون‌های نام‌برده، یا کم‌رنگ‌اند و

یا آن‌قدر ناشیانه، در ساختار تعبیه

شده‌اند که غلظت ناپذیرفته‌شدن

آن‌ها، انگیزه‌ی آشفنگی و عدم

سامان‌دهی در متن را موجب

می‌شوند و روند سبب‌سازی‌های

سرایش را از جاده‌ی اندام‌وارگی،

به بیراهه‌های حذف‌شدن

می‌کشاند و شعر، ناتوان در

رسانه، از راستای لطافت لفظ

و طراوت تأثیر و پذیرش معنا

می‌لغزد و به دست‌اندازهای گل‌آلود عدم چسبندگیِ متن می‌غلند و سرانجام، پس‌مانده از

ذهنیت‌ها به فراموشی سپرده می‌شود

محمدی‌پور، شاعر نام‌آشنای سرزمین ما، به گواهی همه‌ی آفرینه‌هایش، با مهارت

بیش‌شمندانه‌ی ناشی از اندیشه‌ی رنگ‌مند و جاری در گستره‌ی یادمان مضمون‌ها، قلم‌اش را

در استواری پایه‌های متن، بذیرفتنی و پایا و تأثیرگذار نگاهداشته است

برآیند نگرش کلی بر آفرینه‌های این شاعر، نشان می‌دهد که پدیده‌ی ”زیبایی‌شناختی“ ذاتی

محمدی‌پور، که نشأت‌گرفته از تراوش‌های ناشی از خردورزی‌های پی‌گیر مطالعاتی‌اوست،

پیوسته او را باری می‌دهد تا ضمن جلوه‌بخشی به ساختارو‌ه‌ی سروده‌هایش، معنابخشی

چندوجهی را تثبیت کند. با توجه به این‌که دستور نشست، نگرش بر (بومی‌گرایی)

سردهاست، و بومی‌گرایی، گاهی با واژه‌ی ترکیبی (زادبوم‌گرایی)، برابرند می‌شود، این

یادآوری، بایستگی دارد که تشخیص معنای اجتماعی، و حد و مرز دو واژه‌ی هم‌نمایه‌ی

یادشده، در نگرش، باید رعایت شود چون دو واژه‌ی موصوف، در برداشتِ معنا از مقوله‌های

متفاوت، با هم فرق ماهیتی دارند

(زادبوم‌گرایی)، در پیشینه‌ی رویکردگرایانه‌اش، ممکن‌ست به (قوم‌گرایی)، رهنمون شود و

کلا، با به طور مقطعی، در شرایط به دور از عقلانیت، از راستای معنایش فاصله بگیرد و روندِ

اهداف طرح‌های سهم‌خواهانه‌ی غیرمنطقی را عهده‌دار گردد

اما بوم‌گرایی، که بهترست در این بررسی، با (بای نسبت)، (بومی‌گرایی) نوشته شود، به

جنبش سبز در بهینه و پایاسازی طبیعت و محیط زیست اطلاق می‌شود و بیانیه‌ای قابل

بررسی در بحث بهزیستی همگانی است که در دو سده‌ی گذشته، گرایش‌های تخریبی

انسان‌ها از روندِ واکنش‌ها و دخالت‌های بی‌رویه و قهرآمیز گسترش تمدن صنعتی، به آن

اسبب رسانده و بازتاب جهانی ناشی از کاستی‌ها و اغتشاش زیستبومی آن، گفتمانی را

با عنوان بوم‌گرایی برانیده‌است تا مناسباتِ تعادل همزیستیِ انسان با طبیعت، سنجیده

و بررسی شود

یکی از شیوه‌های موفق این طرح، شناساندن عناصر بهره‌بخش در بوم، به زیست‌مندان،

با روش انعکاس، از طریق انواع هنر، و ادبیات، به ویژه، شعرتست که عاملیت آن از طریق

بازشناساندن اجزای بوم، در بهسازی محیط، نقش اساسی دارد

فرامرز محمدی‌پور، با هوشمندی و ظرافت شاعرانه‌ی خود در آفرینه‌ی مورد نگرش، از

عهده‌ی این رسالت ارج‌مند به خوبی برآمده است

شعرهای این مجموعه، مانند دیگر شعرهای این شاعر، ردپای زیبایی‌شناختی ذاتی

سراینده‌اش را دارد و سرشار از نمادها و نشانه‌های لطافت‌آفرین است و بیان‌گر آثاری

پراگماتیسمی را طلایه‌داری می‌کند و نیروی (الهام)، که در بحث زیبایی‌شناسی، از زمان

سقراط و کتاب‌های «فایدروس» و «صیافت» افلاطون تا کنون، همگام با زمان و هم‌سو با

دیدگاه گوناگون بیانیه‌های فیلسوفان بعدی، به‌روزرسانی شده و اقتدار خوش‌پسندنموندن

شعر را دارد، به شعرهای بوم‌گرایانه‌ی محمدی‌پور، وجاهت خاصی دیده‌شدن و بهره‌وری

داده است. در تایید آن‌چه که نوشته شد برگزین‌های زیر (برگرفته از کتاب مورد نگرش)،

خوشش می‌شوند:

دل‌تنگی / از چشمان‌ات / می‌آویزد /- غروب را.../ درنگِ شب / کافی‌ست / دریا را بخوانیم. ص

۱۲- کتاب(عاشقانه‌هایی که می‌خندند)

بی‌درنگ، درنگ “بندتو کروچه” فیلسوف نامدار ایتالیایی، در باره‌ی ویژگی هنر به ذهن

متبادر می‌شود که چکیده‌ای از مفهوم معادل آن را می‌خوانیم:

احساس قوی و آماده‌ی رسانه، به پدیده‌ی کشف، اندام‌وارگی و یگانگی می‌دهد

و در حقیقت، شهود، بیانگرِ احساسِ نیرومندست و هنگامی به بار می‌نشیند که پشتوانه‌ی

قوی داشته باشد

کروچه در بینش فلسفی خود به این برآیند رسیده است که معنا، این کارایی را ندارد

شعرِ مورد مثال، بسیار سازگار با باورِ «کروچه» است و در اقتدار واژگانِ اندکِ خود، از آغاز

گاف‌های پزشکی در سریال‌های رمضان عرب‌زبان

بخش فرهنگی – در حالی که شرکت‌های فیلمسازی در کشورهای عربی برای حضور بازیگران معروف در سریال‌های مناسبتی رمضان با یکدیگر رقابت می‌کنند و هزینه‌های سنگینی نیز صرف ساخت این آثار می‌شود، اما نمایش خطاهای رایج پزشکی در این سریال‌ها، صحنه‌هایی که باید خاطرنگدار باشد را به طرز تبدیل کرده است. به گزارش ایسنا سایت خبری الجزیره درباره خطای پزشکی سریال عربی «شاهزاده» که در موضعی جدی و درامی خانوادگی در شب‌های رمضان پخش می‌شود، نوشته است: داستان سریال «شاهزاده» درباره اختلاف میان برادران بر سر ارث و میراث است. در قسمت ششم سریال، برادران تصمیم می‌گیرند برادری که قهرمان سریال است را به قتل برسانند. محمد رمضان، بازیگر کوییتی که نقش قهرمان داستان را برعهده دارد پس از توطئه قتل برادرانش به بیمارستان منتقل شده و همان زمان خبر مرگ همسر و فرزندش را می‌شنود. در این صحنه غم‌انگیز که بازیگر در حال گریه کردن است و دستگاہ قلب به او متصل است، بیننده به ناگاه در کمال تعجب متوجه می‌شود که دستگاہ به جای اینکه به قلب بیمار متصل باشد، به دست او وصل شده و دستگاہ ایست قلبی و مرگ او را نشان می‌دهد!

بر این اساس، کارگردان سریال بی‌توجه به ساده‌ترین اصول پزشکی، به جای پلاتی تأثیرگذار، صحنه‌ای مضحک را برای بیننده‌هایش رقم زده است. ضمن اینکه در همان صحنه، دستگاہ پزشکی دیگری به چشم می‌خورد که در واقعیت مخصوص اتاق عمل است و در اتاق بیمار



تا پایان، بیانیه‌ی اندیشه‌ی “کروچه” را با ایجاد همحسی خوانشگر، آن چنان می‌آمیزد که

اندازه‌ی عمق دل‌تنگی آویخته‌شده، به حد ژرفنای (دریا)، نمایه شود و پشت این نمایه،

رمزگان‌های نهفته‌ی همانند را گمانه‌زنی کند و (بومی‌گرایی) (دریا)، چشم‌گیرتر بناید

پرشانی/ زلف شب را می‌تابد/ و باران نداری/ بر بام‌های سفالی/ تلنگر می‌زند/ و محله‌هایی

که/ به دور خود می‌چرخند/ پریشانی/ پریشانی/ پریشانی/ ص ۱۴

(باران) و (بام‌های سفالی)

دو نماد (بومی‌گرایی)، با

محله‌هایی که به دور خود

می‌چرخند، هم‌حلقه هستند

و مثلث سه‌جانبه‌گرایی معنای

آبرونیک را هستی می‌بخشد

تا (پریشانی)، نمایان‌تر

وحس‌نشین‌تر شود و عناصر

زیر، شاکله شعری باشند که:

باران نداری=فقر

بام‌های سفالی= نشانه‌ی

نداشتن دارایی کافی برای

تعمیر

محله‌هایی که به دور خود

می‌چرخند = محله‌های

فقیرنشینی که حامیانی بجز

تنگدستان ساکن در خود

ندارند و در تشکل محدودِ

خود به‌هم کمک می‌کنند،

شعر را با جان‌نشین‌سازی

نمادهای (بومی‌گرا)، غنی

می‌نمایند

تا غلبان (پریشانی)، جوشش افزوده‌تری داشته باشد و متن، فعال‌تر از ظرفیت خود شود و

به قوام زیبایی‌شناسی سخن، پشتوانه بدهد

حصیربافی- / مادرم را/ سفره می‌داد، هرچند دست‌اش خالی/ روزگار گرمی داشت/دوشادوش

هم‌دلی/ نجیبت‌تر از باران/ و دلی رودارود یک‌رنگی! ص ۲۷

نماد حصیربافی در این شعر منسجم، زیرمتنی‌های شیرین یادمان تقلات جیره‌بندی‌شده‌ی

مادران و مادربزرگانی را تازه می‌کند که در ازای یاری یاوران وردست در حصیربافی، به

عنوان پاداش می‌دادند، و با گرفتن لحظه‌به‌لحظه‌ی الیاف (لی =برگ بلند گیاه خودرو،

مخصوص حصیربافی)، قصه می‌گفتند و یکرنگی، مانند رودها در دل‌ها جاری بود

روز فشنگی‌ست/ ایستاده بر “پل خشتی”/ از “پل خشتی”/ شعر می‌نویسم/ در “راه پشته” فرود می‌آیم/

کودکی‌هایم/ هنوز/ تاب می‌خورند! ص ۴۰

”پل خشتی“ از بناهای قدیمی لنگرود

”راه پشته“ از محله‌های قدیمی شهر لنگرود و زادگاه شاعر محمدی‌پور است

محمدی‌پور، در کوتاه‌و‌اره‌ی زیر، به لنگرود (زادگاه) پُرشینش‌اش از دیدگاه برابری شعر و

شاعر، نکته‌سنجانه، با تطبیق پیشینه‌ی تاریخی کتله‌های ادبی، فرهنگی، پژوهشی

لنگرود و نامدارانش، در برداشتِ پسنده با مخاطبان، شناسنامه داده است

”پل خشتی“ نگاه‌ات می‌کند

”لنگرود“ شعر می‌بارد

و تو

سبز می‌نویسی-

با کلماتی که در ذهن‌ات می‌رقصدن ص ۵۷

با درج شعر هشت‌شماره‌ای «بارانی‌ها»، (ص ۲۶) که نماد (بومی‌گرایی) (ماه‌ی حیاتِ زمین

۱- کنار جاده/ دست تکان می‌دهد/ برای “باران” ناگهان/ شقایق آینه‌ی می‌شود

۲- با این‌همه دروغ/ “باران” به نام‌ات نمی‌رقصد/ دوست ندارم/ آینه‌ی باشی

۳- پاییز می‌رقصد/ تا “باران” عاشقانه بخواند

۴- لحظه‌های شاعرانه/ هم‌قافیه/ با “باران”/ تا زلالی یادها

۵- “باران” نمی‌بارد/ شعر/ با واژه‌و‌اره‌ی طش/ می‌رقصد

۶- دیروز/ صدایت کردم/ نبودی/دل‌شوره‌هایم/ به! “باران” رسید

۷- با “باران” شعر/ واژه‌ها می‌رقصد/ تنهایی/ هم‌قافیه با سطرهایی که/ کسی صدایم نمی‌زند

۸- رودخانه می‌خندد/ وقتی “باران” را بغل می‌کند، و شاید می‌گرید/ وقتی آفتاب می‌آید/

و ما نیز...

با این که کتاب در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده، شعر کوتاه (فاصله)، با رسای زیر در ص ۲۱،

در دایره‌ی مکاشفه، تازگی (زمان حالِ مخاطب) را، برجسته می‌کند :

پیش‌تراها

همسایه‌ها فاصله نداشتند

امروز

طعم غریبی می‌دهد

دروازه‌های ساکت

وقتی

کوچه‌ها لبخند نمی‌زنند

بآرزوی بهترین‌هایی که فرامرز محمدی‌پور گرامی را آرزوست

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹ خورشیدی

محسن آریاپاد

شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

خبر